

مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری

احمد شفیعی*

عبدالعزیز نیک‌بین**

چکیده

دموکراسی یکی از مهمترین موضوعاتی است که نوع بشر با آن مواجه بوده و از اینرو همیشه سعی دارد آن را به عنوان آرمان خود تلقی و برای رسیدن به آن تلاش نماید. این مسئله در روند تاریخی خود دچار تحولات عمده بوده به گونه‌ای که هرملتی از آن برداشت خاصی دارد. بر همین مبنا کشورهای در حال توسعه نیز در برخورد با آن متفاوت عمل می‌کنند به طوری که برخی آن را پذیرفته و برخی سعی در بومی سازی آن داشته و بعضی دیگر تعریف جداگانه‌ای از آن ارائه می‌دهند. عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در تقابل با آن متفاوت بوده به گونه‌ای که بانیان این نظام معتقدند که دموکراسی در بطن نظام اسلامی وجود داشته و این نظام می‌تواند به عنوان الگوی موفق دموکراتیک به کشورهای منطقه و جهان عرضه شود اما برای رسیدن به این هدف، نظام مردم سالاری دینی باید در مرحله عمل و نظر به عنوان یک نظام کارآمد تلقی شود. این که کارآمدی چیست و مولفه‌های آن برای نظام مردم سالاری دینی کدامند و چه تفاوتی میان کارآمدی یک نظام دینی با نظام‌های غیر دینی وجود دارد موضوعی است که در این مقاله با تاکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: کارآمدی، مردم سالاری، دین، مقام معظم رهبری.

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده شهید محلاتی (ره) shafey313@gmail.com

** دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، دانشکده شهید محلاتی (ره) (نویسنده مسئول) a.nikbin@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱

۱. مقدمه

چگونه می‌توان نظامی کارآمد داشت، از جمله سوالات مهمی است که امروزه اکثر نظام‌های سیاسی و مسئولین حکومت‌ها از خود می‌پرسند، چرا که کارآمدی از شاخص‌های سنجش و از لوازم مشروعیت بخشی نظام‌ها است. توانمندی در کسب ارزش‌های کمیاب جهانی از جمله رفاه، امنیت، بهداشت، ترقی و پیشرفت، مبارزه با فقر، تبعیض، فساد و استقرار عدالت از جمله موضوعات مورد توجه در افکار عمومی شهروندان در ارزیابی موفقیت و ناکامی حکومت‌ها است.

کارآمدی که ناظر بر توانایی عملکردی حکومت‌ها و سایر موجودیت‌های سیاسی در عرصه سیاست است، مفهومی چند سطحی و چندبعدی است. کارآمدی در سطحی عمومی یعنی توانمندی‌هایی که در مورد همه‌ی موجودیت‌ها و بخصوص نظام‌های سیاسی باید از آن برخوردار باشند و تقریباً در مورد همه‌ی نظام‌های سیاسی به یک میزان صدق می‌کند و اهمیت دارد. این نوع از کارآمدی بیشتر در حوزه سیاست ملایم، مسائل امنیتی، دفاع از مرزها و تأمین تمامیت ارضی و... معنا می‌یابد. سطح دیگر از کارآمدی، تعریفی از کارآمدی است که با توجه به ضوابط ارزشی و هنجاری حاکم بر نظام‌های سیاسی تعریف می‌شود. تفاوت در ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها به این سطح از کارآمدی نیز مربوط می‌شود.

تقریباً می‌توان گفت که کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح اول مانند همه‌ی انواع نظام‌های سیاسی دیگر تعریف می‌شود. اما تفاوت در ارزیابی کارآمدی این نظام، در مقایسه با نظام‌های دیگر، مربوط به سطح دوم از کارآمدی است زیرا چارچوب ارزشی و هنجاری حاکم بر این نظام متفاوت از سایر نظام‌ها است. به عبارت دیگر، چارچوب ارزشی و هنجاری حاکم بر این نظام، نوع خاصی از کارآمدی را برای آن تعریف می‌کند که متفاوت با دیگر نظام‌ها بوده و منظور در این پژوهش، این نوع از کارآمدی می‌باشد.

از طرفی برای تبیین کارآمدی نظام‌ها باید مراحل مختلف شکل‌گیری و ثبات آنها را در نظر گرفت چرا که اکثر دانشمندان سیاسی بر این باورند که ممکن است نظام‌ها در مرحله تثبیت دارای مشروعیت بوده و در مراحل بعد دچار مشکل شوند. لیپست (۳۱ دسامبر ۲۰۰۶) معتقد است نظام‌هایی که دارای مشروعیت بوده‌اند همچون نظام‌های اروپائی در سال ۱۹۷۳ به علت پاسخگو نبودن در برابر مشکلات اقتصادی مشروعیت خود را از دست

داده و یا برخی نظامها که با کودتا سرکار آمده بودند به علت داشتن برنامه های توسعه مشخص، جامعه خود را به کارآمدی رسانده و مشروعیت کسب نموده اند. (موسسه پژوهشهای اجتماعی، ۱۳۷۵: ص ۲۸۳) با توجه به این نگاه جمهوری اسلامی ایران لزوما در مسیر پیشرفت و حفظ مشروعیت خود نیازمند فرایندی کارآمد خواهد بود که سکاندار فرایند فوق رهبر معظم انقلاب بوده و به مرور و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی مولفه های کارآمدی آن را تبیین می نماید. این مولفه ها چیست و تاثیرگزاری آنها چگونه است؟ سوالی است که در این پژوهش دنبال آن بوده و با تاکید بر اندیشه های معظم له به آن می پردازیم.

۲. مفهوم شناسی کارآمدی

علی رغم اینکه کارآمدی و مفاهیم مرتبط با آن در گذشته نیز مطرح بوده اند؛ به عنوان مثال می توان به نامه امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر اشاره کرد که سرشار از توصیه ها و روش هایی برای اداره جامعه و به عبارتی چگونگی کارآمد بودن حکومت می باشد، اما این مباحث بیشتر در عصر جدید و در ذیل مباحثی چون توسعه و نوگرایی بررسی شده اند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: صص ۱۰۰-۷۹) در دنیای شرق و از جمله ایران، بحث از کارآمدی و بویژه رویکرد تئوریک به آن، عمری کوتاه در مجامع نظری و به تبع آن در محافل مرتبط سیاسی دارد.

۲-۱. کارآمدی از لحاظ لغوی و اصطلاحی

کارآمدی از جمله واژه های جدید در دنیای علم بوده و به همین جهت نظریه پردازی در مورد آن بسیار کم صورت گرفته است. اگر چه برخی نویسندگان در تبیین آن به ریشه های تاریخی از جمله دیدگاه های شعرا همچون فردوسی، سعدی، بیهقی و ... و یا احادیث و روایات نیز اشاره نموده اند (همان، صص ۱۷ و ۹۱) لکن بسیار روشن است که ورود آن به عرصه مباحث علمی بیشتر از چند دهه نبوده و اولین بار در علم مدیریت مورد استفاده قرار گرفته و سپس وارد سایر علوم از جمله علوم اقتصادی و سیاسی گردیده است ضمن اینکه هنوز با بسیاری از واژه ها مرزبندی مشخصی نداشته و گاهی و به اشتباه در معنای واقعی خود بکار گرفته نمی شود.

از نظر لغوی کتب لغت از جمله فرهنگ عمید (عمید، ۱۳۶۲: ص ۸۰۷) و دهخدا (دهخدا، ۱۳۳۹: ص ۱۱۷) معانی سودمند، شایسته و آنکه کارها را به خوبی انجام می دهد را برای این واژه آورده اند. این واژه در علم مدیریت نیز برگرفته از معادل واژه effectiveness به زبان انگلیسی است که بیشتر به معنای اثربخشی می باشد.

از نظر اصطلاحی نیز صاحب نظران تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند:

۱- سیمور.م. لیپست می گوید کارآمدی عبارتست از تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به گونه‌ای که بیشتر مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده کنند. (کاظمی، پیشین، ص ۶۰)

۲ - عبدالحمید ابوالحمد نیز کارآمدی را مترادف «کارآیی یا قاطعیت نظام سیاسی» می - داند و در تعریف آن می گوید: کارآیی انجام اقداماتی است که از آن راه بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان به دست آورد... نظام سیاسی وقتی کارآیی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیشتر حکومت شوندگان از آن انتظار دارند، انجام دهد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان به ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است. (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ص ۲۴۷)

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد و ناکارآمدی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه و پیشرفت هر کشور و از عوامل مخل عمده این مسیر است و هرگونه طراحی توسعه می‌بایستی جای ویژه‌ای را برای ارتقای کارآمدی در کلیه جوانب و عرصه‌ها قائل باشد.

در علم مدیریت، «کارآمدی» درگرو کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در راه رسیدن به اهداف نقش دارند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ص ۶۲) در علم سیاست نیز این واژه به معنی عملکرد نظامها در جهت رسیدن به اهداف و عبور از موانع است. بنابراین منظور از کارآمدی این است که یک نظام سیاسی کارویژه‌های اساسی خود را در سه عرصه فرهنگ، اقتصاد و سیاست بنحو احسن انجام دهد، به گونه ای که بتواند در رسیدن به اهداف خود توفیق پیدا کند و مشکلات جامعه را حل کند.

۲-۲. نظريه‌هاى كارآمدى

در باب كارآمدى حكومت در فرايند تاريخى و شكل گيرى، نظريه‌هاى متعددى مطرح شده است كه توجه به آنها مى‌تواند راهگشا باشد. اكثر نويسندگان اين نظريات را به شرح ذيل دسته بندي کرده اند:

نظريه توفيق: براساس اين نظريه، هر سازمانى براى بررسى كارآمدى خود بايد اساس محاسبه را «توفيقات نهايى» بدانند. از اين رو، روش‌ها در كارآمدى تأثيرى ندارد. در نقد اين نظريه گفته اند كه معيار و ميزان سنجش اهداف دقيقاً مشخص نبوده و ابهام دارد.

نظريه سيستمى: بر اين اساس نظام يا سازمان، هنگامى كارآمد است كه ارتباط خروجى و ورودى آن كاملاً آشكار و قابل تبين باشد؛

نظريه رضايت مردم: طبق اين نظريه، يك حكومت را در صورتى مى‌توان كارآمد دانست كه عناصر مؤثر در بقاى خود را راضى كند.

نظريه نسبت در كارآمدى: براين بنياد، مبنای واحد و اصيلى براى مفهوم و ميزان كارآمدى وجود ندارد، از اين رو ارزشيابى در اين بحث نسبى است ضمن اينكه طرح اين نوع از نظريه در دل ساير نظريات نيز امكان پذير مى‌باشد.

نظريه ذاتى عملى: اين نظريه مبتنى بر نظريه ذاتى اعمال ارادى است كه ريشه كارآمدى را در ماهيت عامل بودن حكومت مى‌داند. نظريه مزبور براى هر عمل سه ركن قائل است: فهم عامل از وضعيت حقيقى، فهم عامل از وضعيت مراد و نيز برنامه عملى براى رسيدن به وضع مراد. در واقع هر عاملى كه افعال درست‌تر (معقول‌تر) از او صادر شود، كارآمدتر است. (لاريجاني، ۱۳۷۳: ص ۹۳)

نظريه انجام تكليف: بر پايه اين نظريه با تبين و تعيين شاخص‌ها و محورهايى كه وظايف و تكاليف نظام سياسى را مشخص مى‌كند، ميزان التزام و تحقق اين تكاليف، ملاك كارآمدى دانسته مى‌شود.

نظريه ميزان اثرگذاري در روند امور: اين نظريه، كارآمدى را ناظر به تأثير عيني و واقعى در روند امور جامعه مى‌داند و براى نفس «تأثير» اهميت قائل است. (ذوعلم، ۱۳۸۵: ص ۲۰)

در اينكه اين رويكردها و نظريه‌ها تا چه اندازه مى‌توانند بيانگر كارآمدى نظام سياسى (به‌ويژه نظام جمهورى اسلامى) باشند، بايد گفت هر کدام بر جنبه خاصى از كارآمدى تأكيد دارند و به همين جهت نويسندگان از استناد به يكي از آنها احتراز جسته و تلاش

نموده اند که از روش ترکیبی استفاده نمایند که البته در این روش محوریت یکی از نظریه‌ها حفظ گردیده است.

از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که ملاک‌های کارآمدی در چارچوب نظریه‌های مختلف کارآمدی و متناسب با آن، به شکل‌های گوناگون تعریف و تبیین شده و هرکدام معیار خاص خود را دارد به طوری که معیار کارآمدی نظام از نگاه دسته اول عبارت است از: قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات جامعه؛ آن هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا رژیم سیاسی توانایی تحقق اهداف حکومت، اداره جامعه و اداره امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را داراست یا خیر، باید گفت هر اندازه که نظام سیاسی با توجه به توانایی و امکانات و موانع پیش روی خود به اهداف نایل آید، آن نظام سیاسی کارآمدتر است اما از نگاه دسته دوم مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی یا ناکارآمدی نظام، عملکرد آن نظام است، هر چند آن حکومت برخاسته از مبانی دینی و مذهبی باشد. قضاوت مردم بیش از آن‌که براساس مبانی نظری باشد، براساس عملکرد آنهاست و هر نظامی عملکرد درست‌تری داشته باشد، کارآمدتر به نظر می‌رسد و از نگاه دسته سوم که سعی می‌گردد این دیدگاه در پژوهش حاضر غالب باشد مبانی و اهداف هر نظام سیاسی - اجتماعی با دیگری متفاوت است. از آنجاکه حکومت ما جمهوری اسلامی است و بر مبانی اسلامی شکل گرفته، برخلاف برخی از نظام‌های سیاسی نمی‌تواند در نیل به اهداف خود از هر ابزاری استفاده کند. خاستگاه این نظام حرکت در چهارچوب اسلام و احکام اسلامی است، از این رو ناگزیر است که در رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های مشروع استفاده کند. بی‌شک این فلسفه وجودی، محدودیت‌هایی را برای حکومت و کارگزاران آن فراهم می‌کند. حکومت علوی امیرالمومنین (ع) به‌عنوان کارآمدترین حکومت دینی، گذار از مسیر معصیت را شرط پیروزی نمی‌داند و هر که را که در این مسیر غلبه یابد، مغلوب می‌شمرد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷) از اینرو ضمن توجه به اهداف باید شیوه‌های رسیدن به اهداف نیز مدنظر باشد. از این منظر کارآمدی نظام سوسیالیستی، متفاوت با نظام لیبرالی است؛ چراکه در اهداف متفاوتند و کارآمدی این دو متفاوت با نظام مردم سالاری دینی است چرا که هم در اهداف و هم در مبانی با هم متفاوت هستند. بنابراین تبیین کارآمدی نظام دینی با استفاده از مولفه‌ها و شاخصه‌های

مطرح در آن جوامع منطقی نبوده و باید شاخصه‌هایی متناسب با نظام جمهوری اسلامی تعریف و ارائه گردد. به عبارتی کارآمدی نظام‌ها را می‌توان به دو نوع عام و خاص تقسیم کرد که در نوع عام همه باهم مساوی‌اند و لکن در نوع خاص باید متناسب با شرایط و مقتضیات ویژه نظام‌ها آنها را مد نظر قرار داد.

۲-۳. کارآمدی نظام در اندیشه مقام معظم رهبری

در اندیشه مقام معظم رهبری دولت اسلامی باید ثابت کند که قوانین و برنامه‌های اسلام برای کشورداری کارآمد است. رهبر انقلاب با تحلیل جامعی از نظام مطلوب مردم‌سالاری دینی و ذکر مزیت‌های آن نسبت به دموکراسی‌های غربی، آن را دولت کریمه دانسته و شرایط تحقق چنین دولتی را، عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب و بیان آرمان‌ها و حرف‌های نو برای جامعه بشری از جمله مردم‌سالاری دینی، اعلام داشته و با تأکید بر لزوم کارآمدی دولت تصریح کردند: «فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرف‌های خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است؛ و برای تحقق این مهم، باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۴/۶)

رهبر معظم انقلاب معتقدند مبتنی بر بسترهای غیر بومی و سکولار نمی‌توان ایده‌های اسلامی را به‌طور کامل اجرا کرد و کارآمدی مطلوب را در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محقق نمود. وظیفه مهم و خطیر نخبگان بسترسازی برای توسعه بومی و اسلامی کشور در بستر یک فهم مشترک است و بدون تردید تحقق کارآمدی نظام اسلامی تنها در یک زیرساخت اسلامی - ایرانی میسر است.

نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌داند و بین مشروعیت و کارآمدی پیوند برقرار می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان، مشروعیت همه مسئولان کشور را به کارآمدی آنان در انجام دادن وظایف قانونی وابسته دانستند و تأکید کردند:

ضمن استقامت کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روش‌ها، حرکت به سوی اهداف پیش‌بینی شده را با عزمی راسخ ادامه می‌دهیم... از هیچ‌کس انتظار معجزه

نمی‌رود اما در عملکرد همه مسئولان باید کارآمدی و نشانه‌های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله، آشکار و ملموس باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۳/۶/۳۱)

از این نظر دولت اسلامی برای اداره کشور نیازمند یک نظریه حکومتی است تا کشور را اداره کند و باید اسلام را مبنای اداره‌ی جامعه قرار دهد؛ چراکه دین اسلام جامع و کامل است و برای سعادت انسان نازل شده است. نگارنده در این پژوهش معتقد است مقام معظم رهبری در این خصوص صاحب نظریه منسجم بوده و درصدد هدایت گام به گام مردم برای رسیدن به مقصود می‌باشند.

ایشان مبدع اندیشه نظام مردم سالاری دینی بوده و فرایند تحقق واقعی چنین نظامی را مشخص نموده و آن را در پنج مرحله به شکل ذیل تعریف نموده اند :



معظم له که این نظریه را در سال ۱۳۷۹ بیان داشتند؛ معتقدند نظام مردم سالاری دینی برای تکامل خود باید پنج مرحله فوق را پشت سر بگذارد و این درحالیست که از دو مرحله اولی عبور کرده و امروز در مرحله سوم یعنی دولت سازی قرار داریم. با کمی دقت در تمام فرمایشات ایشان می‌توان فهمید که ایشان با ظرافت خاصی سعی می‌کنند هدایت و راهبری خود را در این قالب و چارچوب برده و به عبارتی این منظومه فکری را در فرمایشاتشان منعکس نمایند. ایشان برای رسیدن به این مدینه فاضله براساس نگاه آرمانیشان که همان رسیدن به حکومت فضیلت محور مهدی موعود (عج) و سعادت دنیوی و اخروی آحاد جامعه می‌باشد سعی می‌کنند هدایت نظام را با توجه به کارآمدسازی آن مد نظر داشته باشند. از طرف دیگر تبیین کارآمدی از نگاه مقام معظم رهبری متضمن در نظر داشتن تفاوت های موجود در مفاهیم کارآمدی بوده و متناسب با باورها و ارزش های جامعه دینی خواهد بود. از اینرو مقام معظم رهبری ضمن توجه به بعد عمومی کارآمدی و پیشبرد آن در این راستا راهبردهای لازم را برای کارآمدسازی نظام در بعد دینی و به عبارتی تقویت مبانی

دینی نظام ارائه می دهند. از این دیدگاه نظام دینی تنها با دستیابی صرف به رفاه، امنیت و .. که از مولفه های کارآمدی در جوامع غربی می باشند کارآمد تلقی نگردیده و نیاز به مولفه های دیگری خواهد داشت لذا اندیشه مقام معظم رهبری باید در دو بعد عام و خاص کارآمدی مورد بررسی قرار گیرد. به همین جهت ابتدا دیدگاه های ایشان را نسبت به مولفه های کارآمدی در بعد عام که معمولاً در همه جوامع یکسان است، برشمرده و سپس به مولفه های مختص نظام دینی که مقام معظم رهبری سعی دارند راهبری خود را در این زمینه با توجه به باورها و ارزش های جامعه کانالیزه نمایند، اشاره می کنیم چرا که از نگاه ایشان علاوه بر کارآمدسازی نظام در بعد عام باید به تقویت باورها، ارزشها و هنجارهایی که از مولفه های کارآمدی نظام برای رسیدن به هدف واقعی یعنی سعادت اخروی می باشد نیز توجه داشته باشیم. از این رو در حال حاضر که در مرحله دولت سازی فرایند تحقق تمدن اسلامی هستیم باید نظام جمهوری اسلامی ایران در دو بعد عام و خاص به شرح ذیل کارآمد باشد.

۲-۳-۱. کارآمدی در معنای عام

گفته شد که کارآمدی عبارتست از تلاش کشورها برای رسیدن به اهداف و برطرف نمودن موانع؛ از اینرو باید ببینیم که اهداف نظام های سیاسی کدامند. نظام های سیاسی که بعد از دوران قرون وسطی در غرب با شعارجدایی دین از سیاست و بر مبنای او مانیسیم شکل گرفتند با توجه به اندیشه های افرادی چون، لاک، هابز، روسو و .. در صدد تامین رضایت مردم، برآوردن رفاه حداکثری، تامین و برقراری عدالت، قانونمداری، مشارکت حداکثری مردم در حکومت، دانش محوری، توسعه مندی و شایسته سالاری می باشند که مسلماً با توجه به مبانی و اصول هر کدام از نظام های سیاسی معنی مفاهیم فوق متفاوت خواهد بود. با این حال کارآمدی یک نظام، زمانی مسجل خواهد شد که در رسیدن به اهداف فوق موفق باشد. این اهداف که اهداف مشترک همه نظامها حداقل در جهت رسیدن به سعادت دنیوی می باشد بعد عام کارآمدی تلقی گردیده و همه نظامها باید برای رسیدن به آن اهداف دارای برنامه بوده و در جهت رسیدن به آنها تلاش نمایند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز که بدنبال سعادت دنیوی و اخروی بشر می باشد، باید برای رسیدن به اهداف دنیوی که لازمه و ابزار رسیدن به سعادت اخروی هست دارای برنامه بوده و تلاش نماید.

برهمن اساس مقام معظم رهبری نیز تاکید فراوانی برای رسیدن به اهداف فوق داشته و معتقدند برای رسیدن به هدف واقعی باید این اهداف میانی نیز تامین گردد.

۲-۳-۱. عدالت

یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه سیاسی، مفهوم عدالت می‌باشد که در رابطه با آن بحث‌های مختلفی صورت گرفته است. با نگاه به اندیشه‌های دانشمندان سیاسی می‌توان دریافت که همه آنان در تشکیل نظام‌ها به مسئله عدالت اشاره کرده و یکی از مهمترین اهداف نظامها و حکومت‌ها را برقراری عدالت برشمرده‌اند. اگر چه در تبیین معنی عدالت بین اندیشمندان اختلاف نظرهایی وجود دارد لکن در وجود و اهمیت آن برای نظامها هیچ کدام از اندیشمندان شکی نداشته و آن را از پایه‌های ثبات و تحکیم حکومت‌ها دانسته‌اند. این مسئله در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته و حکومت نبی اسلام (ص) و ائمه (ع) برپایه آن بنا شده است. به طوری که تفاوت اصلی حکومت صالحین با حکومت‌های جائز نیز در وجود و توجه به این مسئله بوده است. حکومت امیر مومنان (ع) نیز که الگوی کامل عملی سازی عدالت در نظام سیاسی اسلام می‌باشد به عنوان مصداق عینی نظام عادل در طول تاریخ مورد استناد اندیشمندان بوده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه کار همه انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت، دشمنانی دارد. همه کسانی که نانشان در بی عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی - چه در صحنه ملی، چه در صحنه بین‌المللی - تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست... عدالت را نباید تندروری و مخالفت با شیوه‌های علمی دانست. با استفاده از همه شیوه‌های عالمانه و با تدبیر می‌توان عدالت را در جامعه مستقر کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۵/۱۲)

۲-۳-۲. مشارکت

رهبر کبیر انقلاب رمز موفقیت و کارآمدی دولت را برخورداری از مشارکت و حمایت همه جانبه همه اقشار مردم دانسته، و ابراز می‌دارد که دولت به تنهایی هرگز قادر نخواهد بود که به انجام همه وظایفش پردازد مگر اینکه مردم یاری‌اش کنند. (راهبردهای ولایت، ص ۵۲۹) در بررسی جامعه‌شناختی جوامع گذشته، از دیدگاه اسلام، دو دسته جامعه متفاوت با جهت‌گیری‌های خاص به چشم می‌خورند: دسته‌ای که مسئولیت شناس بوده

و به وظايف اجتماعى خویش عمل کرده اند و دسته ديگر، مسئوليت گريز بوده و تکاليف اجتماعى را پای اميال و مطامع فردى خویش قربانى کرده اند. قرآن کریم ضمن طبقه بندى اين دو دسته، گروه نخست را در زمره پديدآورندگان تمدن اسلامى و کارگزاران شکوفايى و رشد امت مسلمان دانسته و گروه دوم را، در زمره عاملان انحطاط و عقب ماندگى جوامع اسلامى برشمرده است. (کرمى، ۱۳۷۰: ص ۳۲)

بنابراين از دیدگاه اسلام، شناخت مسئوليت‌هاى اجتماعى گامى است در جهت برپايى تمدن جديد اسلامى در عرصه‌هاى اجتماع و فرهنگ، سياست و حکومت. اما از آنجا که انجام اين مهم، تنها در گرو شناخت اين مسئوليت هاست، بر فرهیختگان دينى و سياسى و فرهنگى جامعه اسلامى است که در امر شناساندن اين وظايف به توده‌هاى مسلمانان، اهتمام جدى ورزند و بدین سان زمينه‌هاى تعالى بينش سياسى، اجتماعى آنان را فراهم سازند. مقام معظم رهبرى مى‌فرمايند:

وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف شناس و منکر شناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است. (مقام معظم رهبرى، ۱۳۷۱/۵/۷)

ایشان مسئولان را به اين مسئله توصیه نموده و مى‌فرمايند: «در همه مسائل گوناگون کشور، مسئولين بايد بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هائی را برای حضور مردم پيدا کنند.» (مقام معظم رهبرى، ۱۳۹۰/۷/۲۰)

۲-۳-۱-۳. توسعه

در بعد کارآمدی به معنی عام، مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مولفه در رسیدن به اهداف در توسعه خلاصه می‌گردد و کشوری کارآمد تلقی می‌شود که در این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد. البته در این زمینه که توسعه به تنهایی گویای کارآمدی نظام است یا اینکه برای رسیدن به آن می‌توان از هر شیوه‌ای استفاده نمود و یا اینکه چگونه می‌توان به توسعه رسید نیز اختلاف نظر وجود دارد. از نگاه نظریه‌پردازان توسعه در غرب، راه توسعه یکی و آن هم تبدیل شدن کشورهای توسعه یافته به شکل و شمایل کشورهای غربی است اما پس از تجربیات بسیار در حوزه نظر و عمل، اکنون بسیاری از این نظریه‌پردازان معتقدند

که هر کشوری باید الگوی خاص خودش را با توجه به ارزش‌ها و نیازهایش تدوین نماید. بهره‌گیری از تجربیات موفق و درست دیگران امری کاملاً مورد تأیید رهبری است اما تقلید از الگوهای دیگران مورد نکوهش ایشان و بر این اساس، توسعه‌گرایی مقام معظم رهبری دارای چهار رکن اصلی است:

- بهره‌گیری از تجارب دیگران در عین نفی تقلید
- توسعه بر مبنای هویت، ارزش‌ها و آرمان‌های دینی و ملی
- توسعه همراه با عدالت
- سرعت در توسعه

۲-۳-۱-۴. دانش محوری

در اندیشه مقام معظم رهبری، توجه به علم و ضرورت پیشرفت و رشد علمی کشور، به عنوان نقطه کانونی، به نحو بارزی خودنمایی می‌کند. این واژه از دیدگاه ایشان، عامل قدرت است؛ علم، در کنار و همراه با ایمان، دو مؤلفه اصلی ایجاد قدرت ملی می‌باشند. علم کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و همچنین لازمه پیشرفت همه جانبه کشور است؛ به طوری که از دیدگاه ایشان، عقب ماندگی علمی، ریشه عقب ماندگی در سایر زمینه‌ها محسوب می‌شود. همچنین ایشان معتقد است که عامل عقب ماندگی کشور در دوره‌های پیشین، بی‌توجهی به علم و مسایل علمی بوده است. از نظر ایشان هیچ کشوری نمی‌تواند به آرزوهای ملی خود دست یابد، مگر اینکه در مسابقه علمی بتواند جایگاهی پیدا کند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، اصالت علم از آنجاست که به عنوان مقوله‌ای بنیادین می‌تواند زمینه ساز پیشرفت همراه با عدالت و معنویت باشد و نظام اسلامی را در تحقق اهداف متعالی خود یاری سازد. بنابراین ایشان خواهان آن نوع پیشرفت علمی هستند که مطابق با بنیان‌های جامعه خودی و هویت اسلامی-ایرانی مردم این سرزمین باشد. به عبارتی، تکامل مورد نظر ایشان آنست که نه تنها مبتنی بر فرهنگ و هویت بومی باشد بلکه، زمینه ساز تقویت آنها نیز باشد. معظم له حفظ هویت ملی را اساس هر پیشرفتی دانسته و می‌فرماید:

...اگر یک کشوری همه اینها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی هویتی بود، فرهنگش وابسته به دیگری بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا

اگر گذشته‌ای داشت، آن را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

۲-۳-۲. کارآمدی در معنای خاص

مولفه‌های مربوط به کارآمدسازی نظام در بعد عام که بیشتر معطوف به رفتارهای بشری می‌باشد مربوط به همه نظام‌های مردم‌سالار یوده و در بین نظامها، آنهایی که دارای مولفه‌های فوق‌بوده و یا در برآورده‌سازی آنها موفق‌تر بوده‌اند کارآمدتر تلقی شده و توان کسب مشروعیت در سطح بالا را دارا می‌باشند اگر چه در تعریف و یا ویژگی‌ها و حتی در راه‌های رسیدن به این مولفه‌ها در بسیاری از مواقع اتفاق نظر وجود نداشته و ممکن است برداشت‌های متفاوتی از آنها وجود داشته باشد. اما حقیقت این است که این مولفه‌ها به تنهایی عامل موفقیت و یا کارآمدی نظام مردم‌سالار دینی نبوده و چه بسا با رسیدن به همه آنها باز هم نتوان نظام را یک نظام کارآمد تلقی کرد و یا به عنوان الگو برای سایر کشورها ارائه داد چرا که نظام مردم‌سالار دینی دارای مبانی الهی بوده و اهدافی فراتر از اهداف نظام‌های مردم‌سالار مصطلح را دنبال می‌کند. از این رو برای کارآمدی نظام دینی مولفه‌های دیگری غیر از مولفه‌های فوق‌لازم می‌باشد که منبعت از باورها، آرمانها و ارزش‌های دینی می‌باشد. مقام معظم رهبری این مولفه و راه‌های رسیدن به آنها را در دو حیطه باورها و ارزش‌ها به شکل ذیل توضیح می‌دهند.

۲-۳-۲-۱. باورها

واژه (Belief) در فارسی به باور، عقیده، ایمان و اعتقاد ترجمه شده است. این واژه از اصطلاحات مربوط به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است که مباحث مربوط به پدیده روانی اعتقاد را از این حیث که دارای رفتارسازی اجتماعی است مطالعه می‌کند. در یک تعریف ساده و رسا، باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد. در این پژوهش باورها عمیق‌ترین و انتزاعی‌ترین لایه‌های انقلاب اسلامی است که به صورت معرفت مشترک ملت مسلمان ایران به طور دائم در حال باز تولید می‌باشد. باورها مهمترین بخشی است که باید نسبت به تقویت آن اقدام نمود چرا که لایه‌های ارزشی و رفتاری متأثر از آن بوده و متناسب با آن رشد می‌نمایند. از این رو توجه به آنها به عنوان لایه‌های زیربنایی در کارآمدی نظام مردم‌سالاری دینی خاصه در مرحله دولت‌سازی ضروری می‌باشد. با توجه به فراوانی شاخصه‌ها در فرمایشات مقام معظم رهبری می‌توان گفت

ایشان برای مشروعیت و کارآمدی نظام در بعد بینشی معتقد به توجه به مولفه‌هایی چون خداباوری، خودباوری، ولایت محوری، مردم باوری و موعودگرایی هستند که به شرح ذیل در مقاطع مختلف مورد توجه قرار داده اند:

۲-۳-۱-۱-۱. خداباوری

در نظام دینی حاکمیت الهی که از ویژگی‌ها و اصول آن می باشد مهمترین مولفه در تبیین کارآمدی تلقی گردیده و عدم توجه به آن به منزله عدم تحقق اهداف نظام می باشد. خداوند متعال، سرچشمه عزت به معنای واقعی است و دیگر آفریده‌ها در ذات خود، فقیر و ذلیل هستند؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰) در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ ما اگر مؤمن باشیم، عزت متعلق به ماست، و ما به خداوند عرض می‌کنیم: پروردگارا! ما به تو و راه تو و آینده‌ای که به ما وعده داده‌ای، مؤمنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۳/۲۷)

و این معنای واقعی مشروعیت الهی بوده و براین اساس است که نظام مردم سالاری دینی دارای بنیه‌های قویتری نسبت به سایر نظام‌های دموکراسی مصطلح است. عدم توجه به این مولفه یعنی خداباوری باعث سستی پایه‌های نظام گردیده و حرکت در مسیر کارآمدی برای آن دشوار خواهد بود.

۲-۳-۱-۲. ولایت محوری

از ویژگی‌ها و اصول دیگر مردم سالاری دینی ولایت محوری بوده و با این عامل است که نظام دینی به سرمنزل مقصود رسیده و بدون آن گام برداشتن در مسیر کارآمدی ممکن نخواهد بود. ولایت محوری در اندیشه رهبری بدین معناست که کلیه برنامه‌ها، سیستم و مجریان و مردم جامعه اسلامی تحت اشراف و دستورات یا سیره معصومان(ع) باشند و سیاستگذاری‌ها با هدف گذاری آنان هماهنگ شود و تمام فعالیت‌های خود را با اساس دین یعنی پیامبر و معصومان علیهم السلام پیوند زنند. مقام معظم رهبری با اسوه قرار دادن سیره حکومتی و اخلاقی حضرت علی (ع) می‌فرماید: «باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه کامل نزدیک و شبیه تر کنیم، اگر حرکت به گونه‌ای باشد که در حال دور شدن از آن نمونه کامل باشیم این انحراف و خطاست.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۱۲/۱۰)

مقام معظم رهبری پیشرفت نظام را در سایه تمسک به ولایت مداری دانسته و می‌فرماید:

از خداوند متعال خواستارم که ما را همواره در سایه ولایت و رهبری و محبت این بزرگوار قرار بدهد... اکنون مدنیت بشری شاهد آن است که کشوری با نظام ولایت فقیه یعنی حاکمیت دین و تقوا اداره می‌شود. این، برای بشریت که انواع نظامهای بشری را آزموده و در هیچیک درمان دردهای اساسی خود را نیافته، آزمایشی مهم و تعیین‌کننده است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱ و ۱۳۶۹/۱/۲)

۲-۳-۱-۲-۳. خود باوری

دست به دامن دیگران شدن و منتظر این ماندن که برای رسیدن به مقصود باید دستی از غیب برون آمده و نظام ما را کارآمد سازد و یا اینکه چاره‌ای نداریم جز اینکه دنباله‌رو دیگران باشیم نه تنها کمکی به ما نخواهد کرد بلکه حتی در صورت رسیدن به هدف نیز نمی‌توان نظام را کارآمد تلقی کرد بلکه اولین گام در خودباوری دینی، خودشناسی و خودسازی فردی و اجتماعی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۱/۱۰) جامعه‌ای که در آن توجه‌ها به بیرون باشد و منتظر باشند که با استفاده از داشته‌های دیگران برای کارآمدسازی نظامشان اقدام شود هیچ وقت به سرمنزل مقصود نخواهد رسید و این مسئله‌ای است که کشور ما در طول تاریخ بسیار با آن روبرو بوده است.

مقام معظم رهبری به خود باوری در جهت اعتلای نظام اسلامی و کارآمدی آن تاکید داشته و می‌فرماید:

ملت خود ما نمونه روشنی هستند که با ایستادگی و پیگیری و اعتماد به نفس و عدم اتکاء به دیگران و با اتکاء به خداوند توانسته‌اند کارهایشان را بحمدالله به سامان خوبی برسانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲)

معلم له معتقدند خودباوری عامل مهمی در رسیدن به پیشرفت و کارآمدی یک نظام است و تنها با داشتن امکانات مادی نمی‌توان قله‌های ترقی را طی نمود به طوری که می‌فرماید:

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت

عزیز و قدرتمند بشود.... پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۳/۱۴)

۲-۳-۱-۴. مردم باوری

به همان اندازه که در نظام دینی باید به خودباوری رسید باید به توانمندی های مردم نیز اتکا داشت. هر زمان از تاریخ که حاکمان به ملت و مردم خود متکی شده اند در رسیدن به اهداف نیز به همان میزان موفق بوده اند. اعتماد به مردم در حقیقت عامل اصلی در حرکت نظام به سوی کارآمدی بوده و نظام را در برابر هر نوع چالشی بیمه می کند. مقام معظم رهبری هم به این مهم واقف بوده و همیشه به جایگاه واقعی مردم در نظام حکومتی اسلام تاکید داشته اند به طوری که می فرمایند :

نظام ما نظامی است متکی به ایمانها و عواطف و علائق مردم. اساساً سر شکست ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است. این چیز مهمی است. اتکای به مردم هم آسان به دست نمی آید و همه جا حاصل نمی شود. اگر یک سر الهی در میان نباشد، توجّه نفوس و دل‌های مردم هم ممکن نیست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴)

رهبر معظم انقلاب تاکید دارند موفقیت مسئولین فقط از مجرای اعتمادی بدست می آید که به مردم وجود دارد و هر وقت به مردم تکیه زده شد پیروزی بدست خواهد آمد. در بحرانی ترین مقاطع این مردم بودند که نظام را پشتیبانی و یاری نموده اند و مسئولان باید در هر کاری از این قدرت استفاده نمایند :

مسئولین کشور به اعتماد ایستادگی ملت، در عرصه های جهانی و صحنه های بین المللی می ایستند و کار خودشان را و حرف خودشان را پیش می برند. این یک شاخص است. خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۰)

۲-۳-۱-۵. باور به آینده موعود (رهایی جهان از ظلمت)

اعتقاد به مهدویت در زندگی و حیات انسان‌ها وجود داشته و انتظار آینده بهتر و ظهور دولت حق و عدل، در طول تاریخ، مترقی ترین آرمان اجتماعی بوده است. این مولفه به

انسانها امید می دهد و جوامعی که دارای امید هستند در رسیدن به مقصود موفق ترند و جوامعی که امید از آنها رخت بر بسته باشد به هر شیوه ممکن نخواهند توانست به آن نقطه ای از کمال و اهداف که مد نظر دارند، برسند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، موضوع انتظار دارای قابلیت‌های فراوانی است که ملتها باید از آن به بهترین نحو استفاده کنند. از نظر ایشان مهمترین پیامد انتظار، امید است که در پی آن مبارزه و مجاهدت و عدم تسلیم در برابر دشمنان است: «اعتقاد به قضیه مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن، بهره‌های فراوانی ببرند.» (مقام معظم رهبری، ۱/۵/۱۳۹۰)

آیت الله خامنه ای انتظار فرج را زیربنای مدل حکوت اسلامی دانسته و معتقدند باید نظام خود را طوری طراحی نماییم که همسو و هم جهت با حکومت امام زمان باشد: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (عج) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم.» (مقام معظم رهبری، ۲۲/۱۲/۱۳۳۸)

باورهای اینچنینی و تقویت آنها قطعاً می‌تواند نظام را در مرحله ایجاد، ثبات و تداوم بیمه نموده و مسئولان و برنامه ریزان باید به این باورها رسیده و بر مبنای آن عمل نمایند. تنها در این صورت است که ارزشهای جامعه حفظ شده و شاهد رفتارهایی معقول در جهت رسیدن به اهداف خواهیم بود.

۲-۳-۲. ارزش‌ها

در تعریف لغوی ارزش می توان گفت: هر آنچه که مفید، خواستنی یا تحسین کردنی است. در واقع می توان گفت که ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم چنین شکل گیری حیات اجتماعی است. برای همین ارزشها معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می دهند. در تعریف اصطلاحی آن آمده است: انسان‌ها همواره ایده هایی درباره آنچه که خوب یا بد، مناسب یا غیر مناسب و ضروری یا غیر ضروری است داشته اند. به این گونه ایده‌ها ارزش گفته می شود و هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاکها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، سازمان دهی می شوند یک نظام ارزشی را پدید می آورند. پس از مولفه های مربوط به باورها، مولفه های ارزشی سازنده ترین شاخص برای کارآمدی نظام بوده و مقام معظم رهبری بر آن تاکید فراوان دارند. ایشان ارزشهایی که در نظام اسلامی باید به آنها توجه شود

را با توجه به فراوانی در فرمایشاتشان؛ استقلال خواهی، استکبار ستیزی، جهادگرایی و وحدت گرایی دانسته و مورد تاکید قرار داده اند :

۲-۳-۲-۱. استقلال خواهی

نظامی که وابسته باشد با از بین رفتن و یا جدائی از مرکزیتی که به آن وابسته است فروخواهد پاشید. در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است که کشورهایی در نگاه سطحی کارآمد بوده و مشروعیت داشته اند اما از آنجائی که این مشروعیت به جهت وابستگی بوده لذا نتوانسته اند برای مدت زیادی دوام داشته باشند و به عبارتی استقلال از جمله مفاهیمی است که هر ملتی بدنبال آن بوده و برنامه ریزی‌ها باید متناسب با آن صورت گیرد. رهبر معظم انقلاب به این مسئله نگاه همه جانبه داشته و می‌فرماید :

امروز شاید در بین ملت‌های دنیا، ملتی مانند ایران نباشد که از هیچ قدرت خارجی فرمان نبرد و ملاحظه آنها را نکند و خودش تصمیم بگیرد و راه خودش را انتخاب کند و مستقل باشد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۳۸/۴/۱۸) این استقلال همه نوع استقلال برای کشور بدنبال داشته و در مملکت ما، استقلال و آزادی سیاسی وجود دارد که دنباله‌ی آن، استقلال اقتصادی و بالاتر از همه استقلال فرهنگی است؛ آن هم فرهنگ مستقل با طرد نشانه‌های فرهنگ منحط و فاسد غربی از جامعه. (مقام معظم رهبری، ۱۳۳۸/۹/۱)

۲-۳-۲-۲. استکبار ستیزی

استکبار واژه ای است که در قرآن بسیار مورد استفاده قرار گرفته و خداوند انسان را به تبری از آن توصیه نموده است. از نگاه قرآنی نه تنها باید از کبر خودداری نمود بلکه باید در برابر استکبار ایستاد و از تسلیم شدن در برابر آن نیز تبری جست. امام (ره) در انقلاب اسلامی ایران معنی واقعی استکبار ستیزی را به جهانیان عرضه کرد. شاید یکی از دلایل عمده وجود دشمنان زیادی و دشمنی غرب و شرق با جمهوری اسلامی نیز در همین معنی نهفته است که ایران در برابر آنها سر تعظیم فرود نیاورده است.

نگاه رهبر معظم انقلاب نیز به ساختار نظام بین‌الملل نه بر اساس تئوری‌های نظام دوقطبی شرق و غرب، شمال و جنوب، نظام جهانی و... بلکه بر اساس نظام استکبار استضعاف ترسیم شده است. معظم له با استناد به قرآن و اینکه این مفهوم و توجه به آن ریشه در مبانی دینی ما دارد می‌فرماید:

معنا و مفهوم استکبار، یک مفهوم قرآنی است و چیزی نیست که بی‌خود و بی‌دلیل، در فرهنگ انقلاب ما به وجود آمده باشد. مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمین و مؤمنین و نظام و انقلاب اسلامی اقتضا می‌کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۸/۱۰)

رهبر معظم انقلاب آنقدر به این مسئله حساس هستند که بارها و بارها در فرمایشاتشان به نظام سلطه اشاره کرده و مردم و مسئولان توصیه می‌نمایند تا این ارزش انقلابی و اسلامی را فراموش ننمایند چرا که هنوز هم در جامعه ما رگه‌های زیادی وجود دارد که فکر می‌کنند برای پیشرفت و توسعه باید به یکی از ایادی غرب و یا شرق تبدیل شد.

۲-۳-۲-۲-۳. وحدت‌گرایی اسلامی

مولفه‌هایی که به آنها اشاره شد زمانی نظام را در مسیر کارآمدی کمک خواهند نمود که یک دلی و یک رنگی در جامعه حکمفرما باشد. جامعه‌ای که دچار تفرقه شده و نفاق در آن وجود داشته باشد و یا مسئولین نتوانند حرف همدیگر را بفهمند حرکت در مسیر کمال و اهداف میسر نخواهد بود. پای بندی به اصل وحدت موجب سلامت و استحکام کشور شده و ادامه حیات یک کشور در صورتی تضمین خواهد شد که همه اقشار جامعه، با یکدیگر تفاهم و همدلی داشته باشند. از کار یکدیگر پشتیبانی و بر آن نظارت کنند. چنین کشوری طبیعتاً شکست ناپذیر خواهد بود. امام راحل (قدس سره) می‌فرمایند: «اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۰۳)

وحدت، انسجام و اتحاد مردم در داخل کشور اسلامی ایران و در سطح جهان اسلام و در طرازی بالاتر در سطح مستضعفین جهان از مستحکمترین استراتژی‌های معظم رهبری بوده و هست. به طوری که می‌فرمایند:

توصیه من این است که کوشش کنید وحدت را در سطح عموم مردم حفظ کنید... مؤمنین در تمام خانواده بزرگ اسلامی با هم برادرند و پیوند آنها، پیوند برادری است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۵)

اگر نظام دینی در صدد است تا به عنوان نظامی کارآمد و به عنوان الگوی عملی برای سایر کشورها محسوب گردد باید در مسیر وحدت گام بردارد و فقط در این صورت است

که خواهد توانست به کارآمدی رسیده و با پشت سر گذاشتن مشکلات به اهداف خود برسد.

۳. نتیجه گیری

یافته های این تحقیق بیانگر اینست که باید به همه ابعاد انسانی توجه گردد. به طور مثال در صورت بروز مشکل در رفتار انسانی می توان دلایل آن را علاوه بر رفتار در ابعاد شناختی و یا ارزشی جستجو نموده و به حل مشکل پرداخت و یا برای تقویت رفتار انسانی می توان در جهت ارتقاء سطح شناختی و عاطفی برنامه ریزی نمود. یک فرد در نظام جمهوری اسلامی ایران باید ضمن آراسته بودن به ابعاد شناختی به ارزشهای انقلاب توجه نموده و رفتارهایی منطبق با آنها از خود ارائه نماید و این مساله است که مرز میان دموکراسی مصطلح با دموکراسی دینی بوده و کارآمدی نظام مردم سالاری دینی با توجه به این باورها و ارزشها معنی پیدا می کند. از اینرو است که مقام معظم رهبری می فرمایند: «ضمن استقامت کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روشها، حرکت به سوی اهداف پیش بینی شده را با عزمی راسخ ادامه می دهیم... از هیچ کس انتظار معجزه نمی رود اما در عملکرد همه مسئولان باید کارآمدی و نشانه های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله، آشکار و ملموس باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۳/۸۳) براین اساس پیشنهاد می گردد در تبیین مؤلفه های کارآمدی نظام دینی به دو موضوع ذیل توجه گردد:

کارآمدی یک مفهوم جدید در عرصه علم، بخصوص علم سیاست بوده و هنوز در خصوص مبانی و شاخصه های آن اتفاق نظر وجود ندارد. این مسئله ممکن است ناشی از تفاوت موجود در اجتماعات بشری و مفاهیم آنها باشد. از طرف دیگر صاحب نظران در این خصوص برای کارآمدی دو بعد عام و خاص تعریف کرده اند که بعد عام آن شامل همه جوامع و بعد اختصاصی آن با توجه به شرایط و مقتضیات هر جامعه تعریف می گردد. معنی واقعی کارآمدی عبارتست از اقدامات یک نظام سیاسی برای رسیدن به اهداف و برطرف نمودن موانع. در نظام های سیاسی اهداف متفاوت بوده و چه بسا شیوه های رسیدن به آن نیز متفاوت باشد. به طور مثال در جوامعی با عنوان دموکراسی غربی به هر شیوه ممکن باید به اهداف نائل آمد لکن این مسئله در جوامع دینی صدق نداشته و مبانی دینی این اجازه را به مسئولین نمی دهد که از هر شیوه ممکن برای رسیدن به اهداف

استفاده نمایند. براین اساس کارآمدی در نظام مردم سالاری دینی دارای معنی متفاوت بوده و مولفه های خاص خود را دارد و نظام دینی ضمن تلاش برای رسیدن به بعد عام باید برنامه ریزی برای رسیدن به بعد خاص کارآمدی را نیز مد نظر داشته باشد.

متناسب با بند فوق اعتقاد بر این است که دین می‌تواند برای تمام عرصه‌های اجتماعی، در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها، راه‌کارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی یک جامعه سکولار متفاوت بوده و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی باید به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید سه عنصر مهم دین، یعنی اعتقادات، اخلاق و احکام مورد توجه قرار گیرد. (مصباح، ماهنامه معرفت، ش ۱۲۴) در این صورت، دین می‌تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که بر اساس دین پی‌ریزی شده است، باید در چارچوب همین سه مؤلفه مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

آنتونی، آر بلاستر (۱۳۷۶)، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز تهران.

آقاجری، هاشم (۱۳۸۱) حکومت دینی و حکومت دموکراتیک، تهران: انتشارات ذکر.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹) اندیشه‌نوسازی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸) درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: دانش و اندیشه معاصر.

ابراهیمی فر، عبدالجواد (۱۳۸۰) شرح وصیت‌نامه امام خمینی، قم: نشر ظفر.

اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۹۱) انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳) امت و ملت در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بشیریه، حسین (۱۳۷۶) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشر نی.

بشیریه، حسین (۱۳۷۶) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشر نی.

پورفرد، مسعود (۱۳۸۴) مردم‌سالاری دینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جمالی، محمد رضا (۱۳۸۸) مردم‌سالاری دینی و دموکراسی غربی، تهران: همداد.

حجاریان، سعید (۱۳۸۰) از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، تهران: طرح نو.

خالقی، علی (۱۳۷۹) امام خمینی و گفتمان غرب، تهران: انجمن معارف.

خاتمی، محمد (۱۳۸۰) مردم‌سالاری، تهران: طرح نو.

۷۰ مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشهٔ مقام معظم رهبری

- در جستجوی راه از کلام امام (۱۳۷۳) تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ذو علم، علی (۱۳۸۵) تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۸۳) چالش های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۰) قبض و بسط شریعت، تهران: صراط.
- شئون و اختیارات ولی فقیه از نگاه امام خمینی (ره) (۱۳۸۰) تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شیخ زاده، حسین (۱۳۹۱) نخبگان و توسعه ایران، تهران: باز.
- صحیفه نور (۱۳۷۲) تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۶۳) ولایت فقیه حکومت صالحان، تهران: موسسه فرهنگی رسا.
- کدیور، محسن (۱۳۷۸) نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۰) دموکراسی در نظام ولایت فقیه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- کاظمی، اخوان، امام خمینی و دموکراسی، کتاب نقد، شماره ۲۱ و ۲۰.
- فیروزآبادی، سید جلال دهقانی (۱۳۸۷) چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷) اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۵) مردمسالاری دینی، تهران: موسسه عروج.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸) آسیب شناسی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عالم، عبد الرحمن (۱۳۸۵) بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- مرعشی، سید محمد حسین (۱۳۷۶) تاملی بر احیاء تفکر دینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰) نظریه سیاسی اسلام، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۸) نظریه مردمسالاری دینی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- واعظی، احمد (۱۳۷۸) حکومت دینی، تامل در اندیشه سیاسی اسلام، تهران: مرصاد.
- ولایت فقیه امام خمینی (بی تا) قم، بی نا.
- ویلیم، تی بلوم (۱۳۷۳) نظریه های نظام سیاسی، احمد تدین، تهران: نشر آرمات.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۳) جامعه مدنی، تهران: بی نا.
- هلد، دیوید (۱۳۷۸) مدل های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: روشنگران.
- فرمایشات مقام معظم رهبری در تاریخ های :

احمد شفيعى و عبدالعزيز نيكبين ٧١

٧٤/٨/١٠، ٦٨/٤/١٥، ٧٧/١/٣٠، ٨٤/١٢/١٠، ٨٣/٦/٢٦، ٧٤/١/٣٠، ٧٠/١٢/١٢، ٨٧/٩/٧، ٨٦/٧/١٦
٨٥/٧/١٣، ٨٨/٢/٢٧، ٧١/٧/١٨، ٧٤/٦/٨، ٨٣/٦/٣١، ٧٤/١٠/٢، ٨٦/٣/١٤، ٨٤/٦/٨، ٦٨/٨/١٠
٨/٨/١٨، ٧١/٥/٧، ٨١/٨/٢٢

